

Detailed Introduction to Generational Theory

معرفی مفصل و دقیق نظریه نسل

نوشته: گرام کودرینگتون

ترجمه: حسن عبداللهی | مدیران ایران | www.Modiriran.ir

درک نسل‌های متفاوت و تفاوت بین آنها در تمامی جوانب زندگی ما اثر گذار است. از تعامل والدین با کودکان گرفته تا برخورد فروشندگان با ارباب رجوع پیر و جوان، تا مدیری که با گروه‌هایی متشکل از افراد با سن‌های متفاوت کار می‌کند.

نگاهی کوتاه به مقاله

واژه‌های نسل بومر **Baby Boomer**، نسل X، نسل هزار ساله **Millennial generation**، نسل Y، این واژه‌ها و دیگر واژگان که تفاوت بین نسل‌ها را نشان می‌دهد، امروزه بسیار کاربردی‌تر شده است. این واژگان از این نظریه ناشی شده است که چگونه نسل‌های متفاوت، سیستم‌های ارزشی متفاوتی را توسعه دادند و ما تاثیر آنها را در چگونگی تعامل جوانان و افراد مسن با دنیای اطراف خود می‌بینیم.

بازخوانی مختصر

بطور ساده ذکر شده است که نظریه‌ی نسل‌ها توضیح می‌دهد که چگونه عصری که اشخاص در آن متولد شدند بر میزان پیشرفت دیدگاه آنها به جهان اثر دارد. در دهه‌ی اول زندگی‌مان، سیستم‌های ارزشی ما از طریق خانواده، دوستان، ارتباطات، اتفاقات مشخص و مکانی که در آن به دنیا آمدیم، شکل می‌گیرد. در قرن گذشته، نیروهای جهانی با رسانه‌های بین‌المللی و شبکه‌های خبری و فن‌آوری‌های اطلاعاتی ترکیب شدند. توسعه یافتن ارتباطات جهانی نشانگر افزایش تعداد افرادی است که تحت تاثیر یک حادثه قرار می‌گیرند.

افراد موجود در یک رده سنی که به احتمال زیاد بدون در نظر گرفتن محل تولدشان، دارای سیستم‌های مشابه ارزشی اساسی می‌باشند با مسائل مشابه مواجه می‌شوند، تحت تاثیر حوادث مشابه قرار می‌گیرند و تجربه‌های مشابهی را به اشتراک می‌گذارند؛ این سیستم‌های ارزشی محرک نگرش‌ها و رفتارها می‌باشند و پیشگو کننده‌ی خوبی برای رفتارها و انتظارات می‌باشند.

مدت یک نسل تقریباً ۲۰ سال است و از زمان متولد شدن یک گروه شروع می‌شود و تا موقع بچه‌دار شدن آن گروه به طول می‌انجامد. معمولاً، نسل‌ها با ماجراهای قابل توجهی در هر کشور و هر منطقه مواجه می‌شوند که این امر به داشتن روزهای کمی متفاوت در نواحی مختلف منجر می‌شود، همینطور رویدادهای جهانی تعریف شده‌ای در قرن اخیر به گروه کاملاً قابل مشخصی در سال‌های معینی تمایل پیدا کرده است. (به طور مثال: تابستان آشفته سال ۱۹۸۶ با ماجرای راه رفتن یک نفر روی ماه در این سال، یا شروع پر سر و صدای سال ۱۹۸۹ با اعتراضات میدان تیانانمن در چین در ماه آوریل و ...).

همچنین در برخی کشورها، لحظه‌های بسیار خاص و مشخصی هنگامی که یک نسل پایان می‌پذیرد و نسل دیگری شروع می‌شود، وجود دارد. در انگلیس و اروپا اغلب نسل‌ها تاریخ شروع و پایان مشخصی ندارند. همچنین یک مقدار اصطکاک میان هر دو نسل وجود دارد که یک نسل نوک هلالی "cusp" را در میان گروه‌های نسل‌های متوالی بوجود می‌آورند.

طبقه بندی موسوم و عمومی در نسل‌های موجود در انگلیس عبارتند از:

نسل GI (متولد ۱۹۲۰-۱۹۰۰)

نسل خاموش یا کهنه سرباز **Silent or Veteran** (متولد ۱۹۴۵-۱۹۲۹)

نسل بومرها یا بیبی بومرها **Boomers or Baby Boomers** (متولد ۱۹۶۰-۱۹۴۶)

نسل X (متولد ۱۹۶۸-۱۹۸۹)

نسل هزارساله یا نسل Y (متولد اواسط دهه ۸۰ تا کنون)

برخی از نویسندگان نسلی که تولدشان بعد از حادثه یازده سپتامبر (۲۰۰۱) می‌باشد را به نسل میهن **homeland** منسوب کردند ولیکن این نسل عمدتاً در آمریکا وجود دارد.

تحقیقات جامعه‌شناختی

نظریه‌ی نسل گاهی جنجالی در نظر گرفته می‌شود، مخصوصاً بدلیل اینکه "روانشناسان پاپ یا عمومی" بیش از حد از برجسب نسل استفاده کرده‌اند و جامعه‌شناسان تعریف‌های قابل قبولی ارائه نداده‌اند. با این حال، شواهد محکم و تحقیقات قابل قبول زیادی برای نشان دادن رویکرد نسل بمنظور درک جامعه و اقشار آن از لحاظ علمی وجود دارد که از علوم اجتماعی نشأت می‌گیرد.

کارل مانهایم^۱ در آلمان، اولین تحقیقات مدرن و جدی را به منظور بررسی این پدیده انجام داد و برای توضیح و توصیف توسعه ارزش‌های نسل تلاش نمود. بحث‌های گسترده‌ای در میان مقالات دهه‌ی ۲۰ و ۳۰ میلادی وجود داشت، او ایده‌ی خود را بدین شکل عنوان نمود که نسل جوان بدلیل شکاف میان آرمان‌هایی که آنها از نسل‌های پیشین آموخته‌اند و واقعیاتی که تجربه می‌کنند، نقص‌کننده اجتماع هستند.

البته جوانان ارزش‌ها را از والدین و جامعه یاد می‌گیرند و اغلب آرمان‌های مشابهی را در زندگی به اشتراک می‌گذارند. با این حال، وقتی نسل جوان جامعه با تجربه‌ای متفاوت با جهان اطراف خود مواجه می‌شوند، منجر به آنچه که مانهایم توضیح داد یعنی "تحول قابل توجه در آگاهی افراد... نه تنها تغییر در تجربه بوجود می‌آید، بلکه روح و روان فرد را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد" می‌شود. مانهایم با اشاره به "تماس تازه" **Fresh Contact** توضیح داد که رشد افراد جوان و تجربه و پردازش آنها از محیط اطرافشان تنها وابسته به دیدگاه والدینشان نیست، بلکه آنها سیستم‌های ارزشی‌شان را با آنچه در واقعیت تجربه کردند، انطباق می‌دهند. مانهایم توضیح داد که چگونه یک نفر مفاهیم را بر اساس تجربیات شخصی خود در زمینه‌های اجتماعی توسعه می‌دهد "که لزوماً با دیگر نسل‌ها متفاوت است".

مانهایم توضیح داد که نسل موقعیتی اجتماعی است که پتانسیل تحت تاثیر قرار دادن آگاهی فردی را مشابه شیوه طبقه یا فرهنگ اجتماعی دارد، که این موضوع از ضرورت‌های زیست‌شناسی و زمینه اجتماعی نشأت می‌گیرد، "افراد متعلق به یک نسل، که در سال مشابه و نزدیک به هم متولد شده‌اند، تا حدودی به موقعیت مشترکی در بعد تاریخ فرایند اجتماعی بر می‌گردند." و یک آگاهی نسلی شکل می‌گیرد، که شامل توسعه ذهنیت جمعی است که نگرش غالب جهان را منعکس می‌کند که به دنبال آن نگرش و ارزش‌های مشابه را نیز منعکس می‌کند و مبنایی برای اقدام مشترک ارائه می‌کند.

¹ . Karl Mannheim

مارگرت مید^۱، انسان‌شناسی که مطالعات بحث برانگیزش در مورد فرهنگ اهالی جزیره پلینری را به نظریه نسل ارجاع داده است و نمونه‌هایی از اولین ارتباطات جزیره‌نشینان با جهان خارج را نشان داده است. او هنگام انجام مطالعاتش، از طریق یکسری مراحل قابل پیش‌بینی از توسعه ارزش‌ها به نتایجی مشابه با تغییرات ارزش میان نسل‌ها دست یافت.

به تازگی، موریس مسی^۲ در تورهای سخنرانی که در محافل دانشگاهی در اوایل ۱۹۷۰ به منظور شناسایی بومرها انجام می‌داد، نوشته‌ای با این شرح " شما آن کسی هستید، که همان موقع بودی " **Who You Are Is What You Were When** داشت. نخستین همکاران اروپایی نظریه نسل در قرن ۲۰، پییر بوردیو^۳، خوزه اورتگا وای گاست^۴، جولیس پترسون^۵، ویلهلم پیندر^۶ و جولیان ماریس^۷ بودند. نظریه نسل‌ها با اقداماتی که نیل هوی^۸ و ویلیام استراتوس^۹ در سال ۱۹۹۰ انجام دادند معروفتر شد. از آن زمان، یک سونامی واقعی از کتاب‌ها منتشر شد. بهترین نویسندگان در این مورد عبارتند از: پییر بوردیو، خوزه اورتگا وای گاست، جولیس پترسون، ویلیام پیندر و جولیان ماریس. تاکنون بهترین پژوهش‌ها در مورد نظریه نسل، از ترکیب بخش‌های جامعه‌شناسی و الهیات کاربردی در دانشگاه‌های برتر با تاکید بر درک چگونگی تغییرات در ارزش‌ها روی نهادهای اجتماعی از جمله نهادهای مذهبی، پدیدار شده است. شما می‌توانید به این پروژه‌های تحقیقاتی از طریق وبلاگ **tomorrow today** دسترسی پیدا کنید.

در تحقیقات اخیر موجود، واژه نسل‌ها نسبت به بسیاری از تحقیقات، قدیمی‌تر بوده است. از لحاظ تاریخی فیلسوفانی که تلاش کرده‌اند تا توصیفی از نظریه نسل‌ها ارائه بدهند عبارتند از: آگوست کومته^{۱۰}، گوستاو روملین^{۱۱}، جان استوارت میل^{۱۲}، مکسیمیلیان لیتز^{۱۳}، امیل دورخیم^{۱۴}، ویلهلم دیلسی^{۱۵} و اتوکار لورنز^{۱۶}.

ابن خلدون^{۱۷} اولین فیلسوفی بود که چرخه نسل را با جزئیات توصیف کرد. مورخ یونانی سیسرو^۱، نویسندگان یونانی هراکتلیوس^۲ و هوم^۳ و فیلسوف چینی لین یانگ^۴ و نویسندگان عهد قدیم (به ویژه کتاب قضاوت) بیان نمودند که ماهیت ادواری تاریخ و توسعه نسل‌ها به تازگی مورد توجه قرار گرفته است.

1. Margaret Mead
2. Morris Massey
3. Pierre Bourdieu
4. Jose Ortega y Gasset
5. Julius Peterson
6. Willhelm Pinder
7. Julian Marias
8. Neil Howe
9. William Strauss
10. Auguste Comte
11. Gustav Romelin
12. John Stuart Mill
13. Maximilien Littre
14. Emile Durkheim
15. Wilhelm Dilthey
16. Ottokar Lorenz
17. Ibn Khaldun

سالهای زندگی (living years)

در حال حاضر میتوانیم با اطمینان با توجه به حجم زیاد تحقیقات نظری و عملی در این موضوع، نظریه نسل را بکار ببریم. در اینجا خلاصه‌ای از نسل‌های زنده را ارائه می‌کنیم:

نسل GI (متولد ۱۹۲۰-۱۹۰۰)

قدیمی‌ترین نسل زندگی تا کنون؛ که در بدو تولد در آنها بیش از ۴۷ سال امید به زندگی وجود داشت. خانواده‌ها بزرگ بودند، بسیاری از کودکان در ۵ سال اول زندگی خود زنده باقی نمی‌ماندند و حدود یک پنجم از زنان در حین زایمان می‌مردند. در کشورهای توسعه یافته زایمان در خانه صورت می‌گرفت و ۹۰٪ از پزشکان آمریکایی تحصیلات دانشگاهی نداشتند. این (وصف حال) جهان قبل از آنتی بیوتیک‌ها، انسولین، پنی‌سیلین، نایلون و بسیاری از چیزهای دیگر که برای ما ضروری هستند، می‌باشد و هروئین و مرفین در سراسر داروخانه‌ها وجود داشت. مشخصه قالب نسل GI، ذهنیت مدنی آنهاست. جامعه تعیین می‌کرد که این نسل جدید از جوانان بصورت هوشمندانه و هماهنگ (پیشاهنگی، گروه‌های جوانان، حتی کلمه نوجوان، به خودی خود برای همگی آنها ساخته شد)، رشد کنند؛ آنها به بازسازی جهان با تصاویری از جنگ بزرگ در ذهن خود پرداختند؛ دوستدار ثبات و پیش بینی بودند و نظم و انضباط نظامی را به خانه‌ها، مدارس، محل کار و حتی مکان‌های عبادت می‌بردند. نسل نیروی انسانی نسل GI ترکیبی از بحران‌های جنگ جهانی دوم و رکود است. آنها به عنوان تیم کار می‌کردند، از سلسله مراتب فرمان برداری می‌کردند و بدون هیچگونه شکایتی وظایف خود را اجرا می‌کردند. جای تعجب نیست که همگی آن را خوب می‌دانستند و بسیار عادی بود که همه مردم به کار به همین شیوه نگاه کنند. ایده آنها برای پیشرفت کند است، پیشرفت تدریجی است در حالیکه به دنبال کم کردن ریسک هستند. آنها همچنین معتقد هستند که کار سخت امری معمولی و خوب است، در حقیقت آنها باور دارند به هر چیزی می‌توانند با تلاش و کار بیشتر دست پیدا کنند آنها به کسانی که پول از طریق شانس و یا قمار به دست می‌آورند، مشکوک هستند.

نسل خاموش (متولد ۱۹۴۵-۱۹۲۹)

آنها در جوانی خود تحت تاثیر رکود بزرگ و جنگ جهانی دوم قرار داشتند. آنها در زمان‌های سختی بزرگ شدند هنگامی که هر کسی می‌بایست وظیفه خود را انجام دهد (چه آن را دوست داشته باشد، چه دوست نداشته باشد) در زمانی که هیچکس نه کودکان را می‌دید و نه به حرف آنها گوش می‌کرد. آنها محافظه کار، سخت‌کوش و ساختارمند هستند و ترجیح می‌دهند تابع قوانین و نظم و سلسله مراتب رسمی باشند و این ذهنیت را داشتند که "هدر ندهید، نخواهید" و از بدهکار شدن کاملاً نفرت داشتند.

امروزه، بزرگسالان در مواجهه با آینده‌ای که نسبتاً برای افراد مسن‌تر خوب تنظیم شده است، قادرند با افراد جوان و تکنولوژی‌های جدید ارتباط بهتری برقرار کنند. دوره جوانی، آنها را برای گذران دوره زندگی تطبیقی عملی مهیا کرده است. آنها (زندگی‌شان) را با کار سخت، تا دوران بازنشستگی ادامه می‌دهند و در خرج کردن هر سنت^۵ از پولشان مقتصد و صرفه‌جو هستند، تا (زمانیکه) آنها بتوانند صاحب پس‌انداز قابل توجهی شوند. زمانیکه آنها به سن بازنشستگی برسند، بسیاری از آنها جاافتاده شده‌اند. در عوض، زمانی که آنها مسن شوند، آنها بی‌بی که در سالهای اولیه سخت، خشن و زیاد کار کرده‌اند، جان سالم به در برده‌اند، و حداقل برخی از آنها به دنبال آرامش هستند. آنها سوار کشتی‌های بزرگ می‌شوند، در امتداد کوه‌ها و دریاها حرکت می‌نمایند، تنیس و بولینگ بازی می‌کنند، در تعطیلات دور اروپا رکاب می‌زنند و قایق سواری می‌کنند.

1. Cicero

2. Heraclitus

3. Home

4. Lin Yuang

5. cent

نسل بومر (۱۹۶۰-۱۹۴۶)

نسل بومر، نسل پس از جنگ و مجموعه‌ای از داروها و مواد، جنسیت (سکس) و راک اند رول هستند که در برهه‌ای از چشم‌اندازهای (مکتبهای) بزرگ رشد کرده‌اند. منظرهای کمالگرایی سیاسیون و آنهایی که برای آزادی مبارزه می‌کردند، یا آنهایی که فردی را روی ماه قرار دادند، همگی در راه پرورش نسلی از جوانان که به طور همزمان دچار انقلاب فرهنگی و اجتماعی شدند، خدمت نمودند. آنها تظاهرات ضد جنگ ویتنام را آغاز نمودند و سربازان پیاده انقلاب IT بودند.

دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، آشفته زمانی بود که افراد متعلق به نسل جوان بالغ (**young adult Boomers**) وارد دانشگاه و محیط کار می‌شدند تا در برابر سربازان و نسل خاموش تحت سلطه نهادهایی که در آنجا وجود داشت، تمرد نمایند. چشم‌اندازهای اخلاقی‌شان آنها را برای اقدامات ضدنظام تحریک می‌کرد، اگرچه تمرد آنها فی‌نفسه خیلی به سرکوبی نظام کمک نمی‌کرد اما نسبتاً در حذف فساد درون سیستم و نصب خودشان به عنوان رهبران (سیستم) تاثیر گذار بود. در دهه ۹۰ میلادی سیاسیون این نسل در بسیاری از کشورهای دموکراتیک دنیا تبدیل به جوانترین رییس‌جمهورها و نخست‌وزیران شدند و به همراه آن در آن (برهه زمانی) تغییرات گسترده‌ای به جهان آوردند. آنها به منظور حفظ قدرت برای دهه‌های بیشتری - در سیاستها، شرکتها و مذهب- باقی ماندند.

ایشان عاشق مصرف آشکار بودند و دارایی‌های بیشتری نسبت به هر نسل دیگری ایجاد کردند (و همچنین بدهی‌های بیشتری بالا آوردند). آنها نسلی معتاد به کار، رانده (**driven**)، هدفگرا و متمرکز به خط پایین؟! (**bottom line focused**) هستند.

بومرها به هنگام مشارکت در محیط کار پرشر و شور بودند، با چشم‌انداز، رسالت و استراتژی برانگیخته می‌شدند و مراقب بودند تا یک میدان بازی همتراز و منصفانه برای همه کسانی که با آنها موافق بودند، ایجاد شود. آنها در برابر قوانینی که برای (جلوگیری) از افراطگری‌های دوران جوانی آنها وضع می‌شد مشکلی نداشتند و شعارهای خودشان را بالاتر از استانداردهای اخلاقی و اجتماعی حس می‌کردند. رویکرد "خودهدایتی" (**inner-directed**) شان، که برای نسل خودشان (**Me Generation**) خیلی معمولی بود و در سبک رهبری‌شان خبری از مشورت نبود، به خوبی به نسل‌های دیگر منتقل نمودند. آنها تمایل ندارند پیش از زمان (موعد)شان به حاشیه یا علفزار (**pasture**) رانده شوند. ایشان در سالهای آینده تمایل دارند که (**to morph into**) به سرهای نقره‌ای احترام بگذارند (**revered silver heads**) که این امر به این منجر خواهد شد که ملتها و صنایعشان برای داشتن یک دنیای ماورایی بهتر از طریق خطراتی که در نتیجه اصولشان انجام می‌دهند، چشم انداز خوش بینانه‌ای در زندگی داشته باشند.

Boomer-Xer cuspers

"نوک هلال" نقطه ای است که ۲ قسمت یک منحنی با یکدیگر برخورد می‌کنند. در نظریه نسل، گروهی از افراد وجود دارند که در نقطه همپوشانی ۲ نسل قرار گرفته‌اند و در یک بازه زمانی بین‌دوره‌ای به دنیا آمدند و از هر ۲ دوره تاثیر می‌گیرند. جالب توجه است که بسیاری از این کاسپرها (cuspers) تمایل دارند تا ویژگی‌های یکی از این ۲ نسلی که در میان آن قرار گرفته‌اند را انتخاب نمایند تا اینکه ویژگی‌های هر دوی آنها را نمایش دهند.

واضح است که یک نسل کاسپ (cusp) بین هر دو نسل اصلی وجود دارد. در این بازخوانی، ما تنها این گروه کاسپ بومر-ایکس (Boomer-Xer cusp) را برجسته می‌کنیم، از آنجایی که اکنون آنها در محیط کاری و جامعه بسیار تاثیرگذار هستند. باراک اوباما و دیوید کامرون، هردو برای رهبری جهانی در سال ۲۰۰۸ نامزد شدند و هر دو حس (یا نیت) تغییر نسل را در رویکردشان نشان دادند و همچنین از آن صحبت کردند. در بسیاری از شرکت‌ها، مدیران ارشد جدید به طرز قابل توجهی از این نسل هستند.

آنها قادرند تا نسل جهانی مناسبی بسازند. آنها می‌دانند چه زمانی کت و شلوار و کراوات بپوشند و اینکه چگونه رفتار مناسبی داشته باشند تا همسفران خود را تحریک نکنند. آنها می‌دانند که نیاز است نقش بازی کنند (play the game) با حضور در دفتر حزب تا دیده شوند، حتی اگر از اینکار لذت نبرند. اما، هنگامی که آنها به خانه می‌آیند، کت و شلوار خود را از تن در می‌آورند و شلوار جین پاره پاره خود را می‌پوشند. آنها حلقه‌هایی درون گوششان قرار می‌دهند و موهایشان را از پشت می‌بندند. نسل کاسپرها می‌توانند موهایی صاف یا ژل زده داشته باشند. آنها گردنبندهای منجوق دوزی شده زیر یقه و کراوات خود و دستبند (یا النگو) زیر بلوزشان می‌پوشند و تتو (خالکوبی) هایی دارند که هیچکس آنها را نمی‌بیند.

به این دلیل که کاسپرها نقش بسیار مهمی در بازی جهان یعنی پل زدن در شکاف بین نسل بومرها و نسل ایکسها (xers) دارند. همچنین، کاسپرهای واسطه‌های بزرگ نسلی هستند و ممکن نیست افرادی که واقعاً نمونه‌ای از (نسلی هستند) که تجربه (همنشینی) با نسل دیگر را دارند، احساس ناراحتی کنند. این موارد آنها را به طور گسترده‌ای در محیط کاری ارزشمند می‌نماید.

نسل ایکسها (اواخر دهه ۶۰ تا ۱۹۸۹)

نسل ایکسها به عنوان "بچه‌های کلید در خانه" (latchkey kids)، بچه‌های طلاق در حال تجربه نمودن بحرانهایی از قبیل واترگیت و ویتنام تا بحران انرژی و فروپاشی کمونیسم بودند و واضح بود که بزرگسالان نمی‌دانستند که چه خبر است. همچنین مشغله بزرگسالان بیشتر شده بود و نسل ایکسها در زمانی که مادرانشان به دنبال قرصی (نان) بودند، کودک بودند. به عنوان یک بزرگسال جوان در یک میدان مین جنسی به نام ایدز حرکت می‌کردند و مراسم‌های معاشقه‌ی زشت به عنوان میراث انقلاب دهه ۶۰ و فمینیسم را تجربه می‌کردند و آنها ازدواج شکست خورده، تاریخ ازدواج و ازدواج‌های محتاطانه والدینشان را با درد و بیش از نسل‌های پیشین به خاطر می‌آورند.

آنها نسبت به شرکت‌های بزرگ در تحقق تعهد بلندمدت آنها در پرداخت سود سهامشان در مقایسه با والدین و اجدادشان دیرباورتر هستند. بنابراین، شیوه پرداخت عوارض و بدهی آنها نسبت به روش آرامی که اجداد آنها انجام می‌دادند، در تعارض است و آنها به دنبال پاداش‌های سریع و کوتاه‌مدتی هستند تا خطرات را در آغوش بگیرند و به سختی برای خودشان کار نمایند. اغلب ابراز تمردی که بومرها و بسیاری از نسل‌های پیشین انجام می‌دادند نگرش اشتباه کارآفرینانه، خودخواهانه و فردگرایانه است، که به سادگی توسط آنها نادیده گرفته می‌شود، این باور وجود دارد که به زودی ایکسها رشد خواهند کرد و از این مرحله عبور خواهند کرد. به هر حال، ایکسها در مقابل اقتدار شورش نمی‌کنند، روشی که بومرها انجام می‌دادند (و هنوز در برخی موارد وجود دارد). آنها به سادگی از فردیتشان، یکی از ویژگی‌های تعریف شده‌شان - دفاع می‌کنند.

امروزه، آنها به گزینه‌ها و انعطاف‌پذیری نیاز دارند، آنها نظارت از نزدیک را دوست ندارند، آزادی و محیط کار خروجی محور را ترجیح می‌دهند. آنها عاشق تغییر هستند آنقدری که که واقعاً به آن نیاز دارند. آنها به دنبال تعادل در زندگی‌شان هستند و کار می‌کنند تا زندگی کنند و نه اینکه زنده باشند تا کار کنند. آنها قوانین را تنها از طریق مقامات درستکار می‌خواستند. موضوعات کنونی‌شان مهمتر از موضوعات آینده‌شان بود. آنها نمی‌خواستند بدانند "چه چیزی درست است؟" (بلکه) آنها می‌خواستند بدانند "آیا آن کار می‌کند؟" آنها جویندگان معنوی هستند که به ماوراطبیعه اعتقاد دارند. موسیقی در زندگی‌شان پررنگ است و آن به منزله پنجره‌ای به روحشان و زبانی که آنها از آن برای ابراز (احساسات) خودشان استفاده می‌کنند.

نسل جشن هزارساله (Millennials) (۱۹۸۹-۲۰۰۰)

به طور جهانی، نسل جشن هزارساله به عنوان نسل رشد کرده پس از جنگ سرد و عصر جدید جهانی شدن، فن‌آوری ارتباطات و اتصالات بی‌سیم رشد کرده‌اند. آنها در عصری زندگی می‌کنند که در آن تنوع بی‌سابقه‌ای وجود دارد و در این عصر در معرض فرهنگ‌های دیگر قرار می‌گیرند. برخی بیان می‌کنند که آنها در این عصر سریع، و خیلی سریع رشد می‌کنند. همانطور که برخی از کودکانی که بیشترین محافظت از آنها در تاریخ از آنها می‌شد، این نسل دارای اعتماد به نفس و تقریباً مغرور هستند، آنها خیلی مطمئن هستند. اریک چستر^۱، در کتاب "استخدام نسل، چرا؟" (**Employing Generation Why?**) نوشت که نسل میلینیاها بیش از هر نسل دیگری توانایی فیلتر کردن هر دستوری، هر درخواستی و هر دستورالعملی که با منطق قابل قبولی همراه نشده باشد، را دارند، آنها خواهان منطق و دلیل هستند، آنقدر که جمله "از آنجایی که من گفتم پس" آنها را مجاب به قطع درخواستشان نمی‌کند.

آنها در دنیایی رشد می‌کنند که در آن شکوه کردن ناشی از فشار سبک زندگی وجود دارد، و آنها هر روز از محیط شکننده اطرافشون آگاه هستند. بنابراین، جای تعجب نیست که آنها به عنوان مصرف‌کنندگان اخلاقی ظاهر می‌شوند که قصد تغییر دنیا را دارند.

در نگاه اول، نظریه نسل به آن (نسل میلینیاها) ساده و زیبا نگاه می‌کند. برخلاف ابزارهای تقسیم‌بندی پیچیده‌تر، نظریه نسل، بلافاصله قابل اجرا است. در محیط شرکتی، آن به منظور کمک به کارکنان خط مقدم تا روشی برای تعامل با مشتریان - چهره به چهره، تلفنی یا در قالب‌های نوشتاری - تنظیم کنند. جذابیتی که برای کسب و کار دارد این است که، فقط با فهمیدن سن افراد، شما می‌توانید رویکردتان را برای آنها و داشتن انتخابهای بیشتر برای ارتباط با آنها تنظیم نمایید و بنابراین آنها را تحت تاثیر قرار دهید.

1. Eric Chester

البته همیشه در هر قانونی استثنایی وجود دارد. بسیاری از افراد پیر و جوان در جهان وجود دارد: افرادی از نسل‌های قدیمی‌تر که رویکرد و نگاه‌شان را تغییر دادند و به روز نمودند تا بیشتر در خط نسل جوانتر باشند. همینطور حالت بالعکس هم درست است. افراد جوانی که رویکردها و انتظاراتی بزرگتر از نسل خود دارند، وجود دارد. این موضوع می‌تواند توسط شخصیت، جنسیت، فرهنگ و به ویژه مذهب تحت تاثیر قرار گیرد. تمامی این عوامل بایستی مورد توجه قرار گیرد هنگامی که قصد داریم رفتار افراد خاصی را درک کنیم، پیش‌بینی نماییم و تاثیر بگذاریم.

قوم‌نگاری تابش (Ethnographic Dazzle)

همراه با چنین نظریه جذابی خطر ذاتی وجود دارد از آنجایی که درک و بکارگیری آن ساده است، کاربران نظریه نسل می‌توانند به سادگی به قوم‌نگاری تابش کشانده شوند. اولین بار این واژه توسط انسان شناس بریتانیایی، رابین فاکس برای توضیح ناپیایی به شباهت‌های اساسی که میان فرهنگ‌ها و گروه‌های انسانی وجود دارد، ابداع شده است، زیرا افرادی با تفاوت‌های سطح بسیار قابل مشاهده خیره شده‌اند؟! جنیفر دیل¹ از مرکز رهبری خلاق در آمریکا در کتاب خود با نام "بازنشستگی شکاف نسلی: چگونه کارمندان جوان و پیر می‌توانند زمینه‌های مشترک بیابند"، به درستی اشاره نمود که تاکید بیش از حد به موضوع تفاوت نسل‌ها منجر به این خواهد شد که مدیران و رهبران صفات مشترک انسانی را که باعث ارتباط همه افراد می‌شود، از دست دهند.

این نکته مهمی است. اگرچه به اندازه کافی فرض اساسی نظریه نسل ساده است، اما درک و بکارگیری آن می‌تواند زمانی را برای کارشناسی صرف کند. به مانند هر ابزار پروفایل دیگری باید مراقب بود تا از این نظریه سواستفاده نشود یا به عنوان "ابزار بلانت" (**blunt instrument**) از آن استفاده نشود. اگر شما در حالیکه مشغول مطالعه این مقاله هستید به نظریه نسل علاقه‌مند شدید، لطفاً مقالات دیگری که پیرو این مقاله نوشته‌ایم را بررسی کنید و بخوانید، نظریه را در منطق مختلف از بازاریابی تا فروش، تا آموزش و پرورش، تربیت پدر و مادری (**parenting**) تا پویایی تیم و از رهبری و مدیریت تا حفظ و استخدام کارکنان به کار بگیرید. شما تمامی منابع و چیزهای بیشتر را در وبسایت‌های TomorrowToday مشاهده خواهید کرد. (<http://www.tomorrowtoday.uk.com>)

سایر موضوعات مربوط به نسل

در آخر، در معرفی نظریه، ما به نوبه خود توجه ما را به برخی از نگرانی‌ها و سوالات رایج درباره اینکه چگونه تعاملات نظریه نسل با سایر موضوعات آشکار توسعه و شکل‌گیری جلب می‌کنیم.

¹ . Jennifer Deal

نسل‌ها و مراحل زندگی

رشد انسان از طریق مراحل زندگی متمایز و قابل پیش بینی می‌شود. این موضوع به تغییرات فیزیکی در جسم‌شان (نوزادی، کودکی، بلوغ، بزرگسالی، یائسگی، کهنسالی و ..)، روابطشان (کودک، مجرد، متأهل، طلاق گرفته، بیوه، ..) و شرایط اقتصادی‌شان (مستقل، کارگر پاره وقت، دانش‌آموز، کارمند، مدیر، مالک، ..) و تعداد دیگری از عوامل که به طور معمول هنگامی که مدل‌های تقسیم‌بندی مرحله زندگی ملاحظه می‌شود، ارتباط دارد.

به طور کلی، مرحله زندگی نیاز به مقدار زیادی کار روی رفتار نیروی کار و رفتار جامعه دارد. مردم به طور مثال در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ زندگی‌شان وفاداری و ثبات سازمانی بیشتری نسبت به ۲۰ سالگی‌شان نشان می‌دهند زیرا آنها خانواده و تعهداتی (از قبیل پرداخت وام مسکن) دارند. بسیاری از نسل بومرها عنوان نمودند که دهه ۶۰ زندگی‌شان دیگر معتاد به کار نیستند و به دنبال راههایی برای گذراندن (**wind down**) دوره شغلیشان هستند.

نظریه نسل به درستی پیشگویی می‌کند که هر نسل جدیدی که به مراحل زندگی وارد می‌شود، یک مرحله خاص از زندگی دوباره تعریف خواهد شد و آن را به طرز ماهرانه و چشمگیری تغییر می‌دهد. تفاوت‌های قطعی در روش‌ها و رویکردهای نسل‌ها در مراحل متنوع زندگی‌شان وجود دارد، به طور مثال، معمولاً آنها تلاش‌هایی در جهت تصحیح اشتباهات دیده شده از پدر و مادر و بزرگان خود انجام می‌دهند. به طور مثال، والدین نسل ایکس تمایل دارند تا زمان بیشتری را خارج از محیط کار با فرزندان خود بگذرانند. واقعا مرخصی پدری در ۱۲-۱۰ سال اخیر محبوب شده است، و شیوه‌های پرورش فرزند که در دهه ۷۰ میلادی رایج شد، احتمالاً امروزه منجر به بازدید از خدمات اجتماعی می‌شود. بومرها شروع به تغییر دوران بازنشستگی نمودند از آنجایی که آنها به طور کامل در بیرون از محیط کار رییس نیستند. به نظر می‌رسد آنها کناره‌گیر (**retiring**) هستند از آنجایی که آنها به محل کار قدیمی‌شان به عنوان مشاوران پاره وقت و با حقوق بالا برمی‌گردند.

استراوس و هاو^۱ از انجمن گفتگوی تجارت نسل بدین شکل خلاصه کردند "تاریخ نسل‌ها را می‌سازد و نسل‌ها تاریخ را می‌سازند. چرخه به سمت جلو طراحی می‌شود از نیاز هر نسل به انرژی تا تعریف دوباره نقش اجتماعی در هر کدام از مراحل زندگی که به آن وارد می‌شوند. و آن یک چرخه انرژی از تمایل هر نسل به پر کردن شکاف‌های ادراکی تا تصحیح (در واقع، بیش از تصحیح) افراط پیشینیان رسم می‌کند. با استفاده از نظریه نسل، ما می‌توانیم به طور واقعی پیش‌بینی کنیم که به احتمال زیاد چگونه هر نسل برای مقابله با مرحله بعدی زندگی مواجه می‌شود. این موضوع هم اکنون فوق‌العاده مفید است، از آنجایی که بسیاری نسل‌ها با تغییرات قابل توجهی در مراحل زندگی‌شان مواجه می‌شوند (میلنیال‌ها در محیط کار رییس هستند، ایکسها بچه و قسط مسکن داشتند، و بومرها شروع به بازنشستگی نمودند).

¹. Strauss and Howe

نسل‌ها و فرهنگ سراسر جهان

یکی از رایج‌ترین سوال‌ها درباره نظریه نسل این است که آیا آن در سراسر جهان قابل اجرا است؟ به طور معمول در اینجا ۳ سوال وجود دارد؟ آیا آن به طور یکسان در کشورهای مختلف جهان به کار می‌رود؟ آیا برای مردمی با پس‌زمینه‌های فرهنگی متفاوت به طور یکسان به کار می‌رود؟ و، آیا آیا برای افراد ثروتمند و فقیر، طبقه بالا و پایین جامعه به طور یکسان اجرا می‌شود؟

ادعای احمقانه‌ای است که هر نظریه می‌تواند گستره وسیع و پرکاربرد داشته باشد و به طور خاص نظریه نسل نیز همان نقاط ضعف رنج می‌برد که تمام مدل‌های جامعه‌شناختی از آن رنج می‌برند هنگامی که با این پرسش‌ها رو به رو می‌شوند. بیشتر پژوهش‌ها در طبقه متوسط، کشورهای توسعه‌یافته بوده است، و به همین ترتیب این نظریه به وضوح قابل اجراست. هنوز تحقیقات پراکنده‌ای در برخی از قسمت‌های دنیا در حال انجام است، امروز و فردا سخنرانی در مورد این موضوع در سراسر جهان انجام خواهد شد، در هر قاره، و به نمایندگی از حداقل ۱۰۰ کشور جهان اجرا می‌شود - ما شنوندگانی یافتیم که مشتاق پذیرش این نظریه بودند و کاربرد آن را تصدیق می‌کردند.

کشور محل تولد، آفریقای جنوبی ممکن است مثال خوبی برای ملاحظه باشد. نظریه در آفریقای جنوبی و در تعدادی از مطالعات آزمایش شده است. در شرکت شخصی Kelly پژوهشی تحت عنوان "بررسی رضایت از محیط کار" صورت گرفت. یکی از نتایج اصلی این بود که در افراد جوانتر، نژاد کمتر و سن بیشتر می‌تواند به عنوان پیش‌بینی‌کننده رفتار و نگرش‌های فرد باشد. به عبارت دیگر، جوانان امروزی آفریقای جنوبی با یکدیگر (همسنگ‌های خود) وجه اشتراک‌های بیشتری نسبت به والدینشان دارند. در سال ۲۰۰۲، من پژوهشی را همراه اگیلوی و مسر^۱ در آفریقای جنوبی انجام دادم که در آن به داده‌های طبقه‌بندی شده مطالعات sociomonitor با استفاده از نمونه مطالعات طولی که داده‌های آخرین آن ۲۵ سال طول کشیده بود، نظاره و بررسی کردیم. ما مردم را در گروه‌های نژادی و سنی متفاوت مقایسه کردیم و (نسل) سنی پیدا شد که پیش‌بینی‌کننده بسیار قدرتمندتر نگرش‌ها و ارزش‌ها نسبت به نژاد می‌باشد. این مطالعه جایزه شایستگی جهانی WPP را برای پژوهش بازار دریافت نمود.

احتمالاً عادلانه است که گفته شود که این نظریه عمدتاً برای کسانی که در سلسله مراتب نیازهای مازلو بالاتر هستند، قابل اجراست. بسیاری از نظریه‌های جامعه‌شناختی برای اجرا روی کودکان در مرز خطر یا کسانی که در فقر شدید زندگی می‌کنند، در نبرد هستند. با این وجود، ما شاهد تغییرهای ارزشی عظیمی که در میان نسل‌های جوانتر در تمامی طبقات فرهنگی و اقتصادی به وقوع می‌پیوندد، هستیم. در مورد قشر مرفه تازه (بیشتر در روسیه و اروپای شرقی به کار می‌رود از آنجایی که در میان مهاجران اهل جزایر پلینزی در استرالیا شرقی و طبقه متوسط حومه شهر نایروبی به کار می‌رود)، بچه‌ها اغلب ویژگی‌های مهاجران نسل دوم را به تصویر می‌کشند. هنگامی که والدین به سمت کشورها حرکت می‌کنند، نسل اول بچه‌ها (اغلب در کشور قدیمی متولد می‌شوند، البته با خاطرات خیلی کم از آنجا) در بین فرهنگ‌ها گرفتار می‌شوند. آنها ممکن است، در خانه آداب و سنت فرهنگ اصلی (که شامل زبان صحبت کردن، پوشیدن لباس‌ها، انجام آداب و رسوم) را از نزدیک دنبال کنند. اما، دور از خانه (در مدرسه، سر کار، ...)، آنها اغلب از زبان (و حتی لهجه) فرهنگ میزبان دست می‌کشند، لباس‌های آنها را می‌پوشند و در آداب و رسوم آنها مشارکت می‌کنند. آنها به نام "نسل یک و نیم" (one-and-a-half generation) توسط پژوهشگران خوانده می‌شوند.

1. Ogilvy & Mather

بنابراین ما می‌توانیم از روی اطمینان نظریه نسل را در کشورها و بسترهای متفاوت اجرا کنیم. در هر کشور جدیدی، بایستی کارها برای شناسایی رویدادهای منحصر به فرد، محلی معین صورت پذیرد و نشان داده شود که چگونه این رویدادها به ویژه روی نسل‌ها در کشور تاثیر می‌گذارد. بدین منظور نیاز به دانش و تاریخ مذهبی و بعلاوه گاهی اوقات بررسی نگرش همگروهی نسل احساس می‌شود. موسسه tomorrowtoday این تحقیق را در نزدیک به ۳۰ کشور انجام داد، و در هر مورد گروه‌های سنی نسل که نسبتاً مشابه و کاملاً نزدیک به طیف سنی عمومی در تراز قرار دارند، یافت شده است که توسط بازبینی‌های صورت گرفته بر نسل‌های زنده فراهم شده است.

نسل‌ها و طبقه

در بریتانیا، مانند بسیاری از کشورهای دیگر طبقه (اجتماعی) عاملی مهم و قابل توجه در چگونگی درک افراد از خودشان و دیگران می‌باشد. به هر حال مطالعات اخیر نشان داد که نگرش‌های نسلی به نظر می‌رسد می‌تواند طبقه را به عنوان عاملی محرک روی هویت اجتماعی پیش‌بینی کند. به طور مثال، جان ادموندز و برایان تورنر، مجموعه " ارزش نسل در طبقه (اجتماعی) در ادراک تغییرات فرهنگی، تعاملی و ملی در قرن بیستم" در چاپ ۲۰۰۲ کتابشان " نسل، فرهنگ و جامعه"، نمایش دادند. همانطور که با دیگر شاخص‌ها و پیش‌بینی‌کننده‌های رفتار و نگرش از قبیل شخصیت، فرهنگ و جنسیت، طبقه نقش معتدل‌کننده مهمی را در جوامعی که طبقه (یا قبیله) اهمیت دارند، بازی می‌کنند. به هر حال، در هر ردیف طبقه اجتماعی، می‌توان یک تغییر نسل را شناسایی کرد. این موضوع احتمالاً در خصوص نسل‌های واقعی از نسل بومر درست است، به ویژه در کشورها و مناطقی که جمعیت طبقه متوسط رو به رشدی دارد، صدق می‌کند.

یک چرخه تکراری

ملاحظه نهایی ارزش عمیق نظریه نسل به عنوان یک پیش‌بینی‌کننده ارزش‌ها، رویکردها و انتظارات نمایش داده خواهد شد. در بیشتر نظریه‌های جامعه‌شناختی به چرخه تکراری از ارزش‌های نسلی تاریخی شناسایی شده است. به طور معمول، ۴ نمونه اولیه نسلی متفاوت که میان ۲ نوع فعال و غیرفعال شناسایی شده است. در ضمیمه‌ی آخر مقاله خلاصه‌ای از ۴ نمونه اولیه فراهم شده است. این مفهوم مرتبط به یک دوره ۸۰ ساله از تاریخ بشر می‌باشد، ما یک دوره بحرانی را شروع کردیم هنگامی که جامعه مجبور به توقف و مقابله با موضوعی که به طور واقعی نهادها و ساختارها را تغییر می‌داد، شد. بچه‌ها در یک بازه زمانی به مانند نسل خاموش امروزی رشد کردند. این موضوع توسط هدایت و کارگردانی بیرونی همراه با چشم اندازه‌ها و رویاهای بزرگ در دوره بازسازی تا ظهور نسلی مانند بومرها پیگیری شد. به هر حال این دنیای ایده‌آل نمی‌تواند باقی بماند و یک دوره ناامیدی و تجزیه پیروان همراه با جامعه‌ای که از نو شکل گرفته و تعدیل شده است، ایجاد می‌شود. بچه‌های این عصر تا زمانی که مانند نسل ایکس امروزی شوند، رشد می‌کنند. این عصر با یک عصری که در آن هدایت درونی است، و رهبران، موسسه‌ها و جامعه خودشان روی تحکیم و ساخت بنیادهای جدید، بازسازی نسل‌ها و محافظت از جوانان تمرکز می‌کنند، همراهی می‌شود. این عصر نوعی از افراد راه، از نسل GI و نسل میلیتال امروزی ظاهر می‌کند. در نهایت، تمرکز خودهدایتی نمی‌تواند حفظ شود و یک بحران رخ می‌دهد در حالیکه جرقه یک چرخه جدید زده می‌شود. اگر این حرف درست باشد، پس نظریه‌پردازان نسلی در انتظار یک بحران مهم که به جامعه جهانی در چند سال آینده صدمه می‌زند هستند. این موضوع باعث توقف، تجدید و بازسازی جامعه خواهد شد.

چرا این موضوع مهم است

چالشی که برای رهبران در همه بخش های کسب و کار و جامعه وجود دارد، برخورد با نسل ها است: برخورد ارزش ها، انتظارات، جاه طلبی ها، نگرش ها و رفتارها.

به طور خاص، عامل انسانی به طور فزاینده ای برای حفظ یک مزیت رقابتی در کسب و کار مهم شده است. تقریباً در هر صنعتی، رقبا در حال غیر قابل تشخیص شدن بر اساس خدمت یا محصول هستند. (اهمیت) آنچه که شرکت به فروش می رساند، در مقایسه با (اهمیت) مزیت رقابتی کمتر و کمتر می شود. شرکت های رقیب در حال ارائه همان چیز با قیمت و کیفیت مشابه، تحویل از طریق کانال های مشابه و تبلیغات در رسانه های مشابه با استفاده از تکنیک های مشابه، به همان مردم هستند و حتی هر چند سال یکبار کارمندان خود را با یکدیگر مبادله می کنند. نوآوری (تها) مزیت رقابتی شرکتی که از آن استفاده می کند نمی باشد. حتی اگر شرکتی قصد رقابت در صنعت بزرگ دیگری را داشته باشد، رقبایش ظرف چند روز (محصول) آن را کپی خواهند کرد (بدون هزینه های R&D).

(میزان) مزیت رقابتی نسبت به آنچه که شرکت می فروشد کمتر و کمتر است، اما نسبت به آنچه که شرکت است (هویت) و چگونگی فروش آن، بیشتر و بیشتر است. در این محیط، استعداد کالای اولیه است و توانایی جذب، نگهداشت، ماهیت و ایجاد انگیزه در کارکنان با استعداد (پیر و جوان) یک عامل موفقیت مهم برای هر شرکت در هر صنعتی است. بسیار مهم است، ایجاد محیطی درونی که در آن افراد اجازه داشته باشند به طور انفرادی و گروهی ارزش به مراتب بیشتری از آنچه که آنها می توانستند در صورتی که در جایی دیگر مورد استفاده قرار می گرفتند، ایجاد نمایند. نظریه نسل چارچوبی قدرتمند برای ایجاد محیطی که در آن چند نسل با یکدیگر به طور موثری تعامل داشته باشند، فراهم می نماید.

نتیجه گیری

نظریه نسل، بیشتر یک نظریه جامعه شناسانه است تا روانشناسانه. نظریه ادعا نمی کند که توانایی توضیح اقدامات افراد را دارد، بلکه آن قادر است تا رفتار افراد را پیش بینی نماید. اما، با نیم رخ های شخصیتی، ادراک جنسیت، فرهنگ، مذهب، نژاد ترکیب شده است. این نظریه می تواند لایه یا لنز بسیار مفید اضافی برای تجزیه و تحلیل محرک های رفتاری مردم باشد.

برای اطلاعات بیشتر و نگاه دقیق به نسل های مختلف، به "Mind the Gap" نگاه کنید و یا به اطلاعات و منابع در دسترس سایت www.tomorrowtoday.uk.com مراجعه نمایید.

نوشته: گرام کودرینگتون

ترجمه: حسن عبداللهی | مدیران ایران | www.ModirIran.ir